

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

بسمه تعالی

الحاقات و اصلاحات کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت در چاپ دوم و سوم

\*\*\*

فهرست:

- مقدمه ..... ص ۲
- الحاقات بخش اول ..... ص ۳
- الحاقات بخش دوم ..... ص ۵
- الحاقات بخش سوم ..... ص ۲۶
- الحاقات بخش چهارم ..... ص ۳۳

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

مقدمه: مجلدات چاپ اول درسنامه جامع حقوق تجارت به لطف خوانندگان عزیز و معرفی آن به دیگران به پایان رسید و در طی مدت انتشار آن، نگارنده مستمراً در پی آسیب شناسی و به روز کردن مطالب آن بود.

از این رو در چاپ دوم و سوم کتاب اصلاحات زیر صورت گرفت:

۱. متن کتاب مجدداً و به طور کامل ویرایش لغوی و ادبی گردید.
  ۲. مطالب و نکات متعددی به کتاب اضافه گردید. مطالب اضافه شده در چند طیف قابل تقسیم است: ۲.۱. اضافه شدن سرفصل های جدید به کتاب مانند احکام شرکت مختلط سهامی و شرکت مختلط غیرسهامی. این احکام در چاپ اول به دلیل اهمیت آزمون و عملی کم تر مطرح نشده بود ولی در چاپ های بعد برای کامل شدن مباحث (با قید اهمیت کم تر) اضافه شده است. همچنین سرفصل «قبض انبار عمومی» به عنوان یک درس جدید در بخش سوم اضافه شد تا داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد و دکتری حقوق از آن بهره مند شوند.
  - ۲/۲. اضافه شدن مطالب جدید به دلیل اصلاح قوانین تجاری خصوصاً در حوزه چک: این اصلاحات موجب شد مطالب جدیدی در درسنامه خصوصاً مطالب مربوط به چک (مانند احکام چک تضمین شده) اضافه شود.
  - ۲/۳. اضافه شدن نکات آموزشی جدید: بخش عمده مطالب جدید، نکاتی است که برای تسهیل اهداف آموزشی در چاپ دوم و سوم اضافه شده است.
  ۳. همچنین معدودی (دو مورد) از نکات مطرح شده در چاپ اول، برای همخوانی بیشتر با نظر مشهور اصلاح گردید تا مخاطب عزیز با آرامش خاطر به مطالعه و یادگیری مطالب کتاب بپردازد.
- جهت سهولت استفاده از این متن، در ابتدای هر نکته اضافه شده یک عدد بیان شده که منظور از آن صفحه کتاب در چاپ اول است که نکته جدید باید در آن صفحه اضافه شود.
- در پایان نگارنده وظیفه خود می داند صادقانه و صمیمانه از دوستان بزرگواری که چاپ اول کتاب را تهیه کرده اند تشکر کند و این متن را که مکمل چاپ اول است تقدیم ایشان می نماید.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

### الحاقات بخش اول

۱. ص ۲۴: نکته ۲- در شناخت مفهوم تاجر، میزان درآمد ملاک نیست، بلکه نوع فعالیت معیار است ولی در خصوص کسبه جزء، درآمد شخص معیار و ضابطه شناخت است.

\*\*\*

۲. اصلاحیه: در صفحه ۳۰ از چاپ اول بیان شده است که قرارداد عاملی اصولاً لازم است. با توجه به این که مشهور حقوقدانان قرارداد عاملی را جایز می‌دانند، مطلب زیر جایگزین شده است:

«تفاوت عاملی با وکالت قانون مدنی در این است که موضوع عاملی، انجام امور تجاری می‌باشد و وکالت موضوع گسترده‌تری دارد. همچنین علیرغم این که عاملی به طور کلی جایز است ولی در عرف تجاری، قرارداد عاملی یا نمایندگی تجاری به سادگی قابل فسخ از سوی آمر نیست و در صورت عزل یکطرفه و بدون توجیه عامل از طرف آمر، باید خسارات عامل را جبران کند.»

\*\*\*

۳. ص ۳۵: با توجه به قسمت اخیر بند دهم، اجاره یا رهن کشتی نیز عمل تجاری محسوب می‌شود.

\*\*\*

۴. ص ۴۱ انتهای بند دوم: نکته ۲- دفاتر تجاری باید هر سال تجدید شده و امضای دفاتر به ترتیب بالا انجام شود.

\*\*\*

۵. ص ۴۳ انتهای بند سوم: نکته: مطابق ماده ۱۴ ق.ت. دفاتر تجاری چهارگانه موضوع ماده ۶ ق.ت. و «سایر دفاتری که تجار برای امور تجارتی خود به کار می‌برند» این ویژگی اثباتی را دارد. یکی از مصادیق «سایر دفاتر»، دفتر دلال است که مطابق ماده ۳۵۶ ق.ت. هر دلال باید آن را داشته باشد.

\*\*\*

۶. ص ۵۲: پ) اقسام پروانه دلالی:

۱) پروانه دلالی معاملات ملکی: مرجع صدور پروانه این نوع دلالی، اداره ثبت اسناد و املاک است.<sup>۱</sup>

۲) پروانه دلالی معاملات تجاری.

۳) پروانه دلالی معاملات خوار و بار و سایر امور شهری. (ماده ۷ ق.ر.د.).

\*\*\*

---

۱. ماده ۱ تصویبنامه هیأت وزیران راجع به مقررات دلالان مصوب ۱۳۱۹.

## الحاقت چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

۷. صفحه ۵۴ مقدار مجازات نقدی تغییر یافته است: (۱) اگر منتفع باشد و آن را اطلاع ندهد، الف) مسئول جبران خسارات وارده بر طرف قرارداد است (مسئولیت مدنی) و ب) هم به جزای نقدی از بیست و پنج میلیون تا شصت میلیون ریال (مسئولیت کیفری) محکوم می‌شود. (ماده ۳۴۶ ق.ت. ۲).  
۸. نکته مندرج در صفحه ۶۴ کتاب حذف شد.

\*\*\*

۹. ص ۷۵: نکته: در صورت بروز اختلاف بین متصدی حمل و مرسل‌الیه، دادگاه صالح می‌تواند دستور دهد که کالا نزد شخص ثالثی به امانت نگهداری شود یا حتی در صورت لزوم و با تنظیم صورت مجلسی راجع به وضعیت کالا، فروخته شود و وجه آن را تا زمان حل و فصل اختلاف در صندوق دادگستری نگهدارند. البته هر یک از طرفین می‌توانند با پرداخت تمام مخارج و وجوه مورد ادعا و یا سپردن آن وجوه نزد صندوق دادگستری مانع فروش کالا شوند. (ماده ۳۹۲ ق.ت.).

---

۲. با عنایت به مصوبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ هیأت دولت در خصوص افزایش مجازات‌های نقدی

# الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

## الحاقات بخش دوم

### درس دوم:

#### معرفی شرکتهای تجاری و نهادهای مشابه

۱. ص ۱۰۷: انتهای بند سوم: بحث: در شرکت تضامنی (و سایر شرکتهای شخص) چه زمانی می-توان قروض شرکت را از شریک ضامن مطالبه کرد؟

همچنان که بیان شد با توجه به اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شرکا، تا زمانی که شرکت تضامنی منحل نشده، نمی‌توان به شریک ضامن رجوع کرد. اما منظور از انحلال چیست؟ آیا به صرف صدور حکم انحلال یا حکم ورشکستگی یا تصمیم شرکا بر انحلال شرکت، می‌توان به شرکای ضامن رجوع کرد یا پس از ختم تصفیه شرکت و عدم کفایت دارایی‌های شرکت برای بازپرداخت دیون طلبکاران، امکان مطالبه از شرکای ضامن پدید می‌آید؟

منشأ تردید این است که انحلال شرکت تضامنی با یکی از موجباتی که ماده ۱۳۶ ق.ت. بیان کرده (مانند تراضی شرکا یا ورشکستگی شرکت) پدید می‌آید، اما انحلال به معنای از بین رفتن شخصیت حقوقی شرکت نیست. بلکه شخصیت حقوقی شرکت زمانی از بین می‌رود که پس از انحلال، دارایی شرکت به طور کامل تصفیه شود.<sup>۳</sup>

از سویی ماده ۱۲۴ ق.ت. صراحتاً بیان داشته است که «مادام که شرکت تضامنی منحل نشده، مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال، طلبکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکا که بخواهند و یا به تمام آن‌ها رجوع کنند...». بنابراین ظاهر این ماده به محض انحلال و پیش از ختم تصفیه می‌توان به شرکای ضامن رجوع کرد.

اما در مقابل ماده ۱۲۶ ق.ت. مقرر می‌دارد: «هرگاه شرکت تضامنی منحل شود... اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند، طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند.» از ظاهر این ماده نیز استنباط می‌شود که صرف انحلال شرکت برای رجوع به شرکای ضامن کافی نیست و باید اموال شرکت بین طلبکاران تقسیم شده و پس از عدم کفایت دارایی، می‌توان به شریک یا شرکای ضامن رجوع کرد.

به نظر می‌رسد با توجه به اصول حقوق شرکت‌ها از جمله اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شرکا، ظاهر ماده ۱۲۶ ق.ت. ترجیح دارد و صرفاً پس از انحلال و عدم کفایت دارایی شرکت تضامنی می‌توان قروض شرکت را از شرکای ضامن مطالبه نمود.

\*\*\*

۲. در خصوص مفهوم و آثار انحلال شرکت و تأثیر آن بر شخصیت حقوقی شرکت ر.ک. درس دهم از همین بخش.

## الحاقت چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

۲. (ص ۱۰۷ انتهای بند سوم) بحث: تاجر بودن شریک شرکت تضامنی

در خصوص این که آیا شریک شرکت تضامنی، خود تاجر است یا خیر، بین حقوقدانان اختلاف است. برخی نویسندگان به استناد مواد ۱۲۸، ۱۳۱ و ۱۳۸ ق.ت. معتقدند شریک شرکت تضامنی، به صرف شریک بودن در این شرکت، تاجر است.<sup>۴</sup> چرا که در این مواد قانونی از عبارت «ورشکستگی شریک» استفاده می-شود و ورشکستگی نیز فقط بر تاجر عارض می‌شود. در مقابل بعضی اساتید بر این باورند که شریک شرکت تضامنی لزوماً تاجر نیست و مواد فوق نیز مربوط به موردی است که شریک شرکت تضامنی، بر حسب اتفاق و مبتنی بر اعمال تجاری خود تاجر باشد.<sup>۵</sup> در مجموع به نظر می‌رسد نظر اخیر صحیح‌تر است و این نظر با تعریف تاجر که در ماده ۱ ق.ت. بیان شده، سازگار می‌باشد.

۳. (ص ۱۰۸ انتهای بند پنجم) نکته ۶- با توجه به اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شرکا، در صورت ورشکستگی شرکت مختلط غیرسهامی، دارایی شرکت بین طلبکاران تقسیم می‌شود و طلبکاران شخصی شرکا حقی در آن ندارند. (ماده ۱۵۶ ق.ت.) و اگر دارایی شرکت برای پرداخت بدهی‌ها کافی نباشد، طلبکاران شرکت حق دارند، باقیمانده طلب خود را از شرکای ضامن مطالبه کنند. باید توجه داشت که در این صورت طلبکاران شخصی شریک ضامن و طلبکار شرکت، اولویت و امتیازی بر یکدیگر نخواهند داشت. (ماده ۱۵۷ ق.ت.).

۴. ص ۱۱۲ نکته: در ماده ۱۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (ق.ا.س.ا. ۴۴) از عبارت «سهامدار غیرعضو» تعاونی استفاده شده است. منظور از «سهامدار غیرعضو» شخصی است که شرایط عضویت در تعاونی را ندارد ولی با توجه به قواعد مندرج در ق.ا.س.ا. ۴۴ بخشی از سهام شرکت را تملک نموده است. مثلاً در تعاونی فرهنگیان، عضو باید فرهنگی باشد و شخص غیر فرهنگی به طور عادی امکان عضویت در تعاونی را ندارد. در صورتی که شخصی غیر فرهنگی سهام شرکت تعاونی را تملک کند (مثلاً از طریق خرید سهم)، به این شخص «سهامدار غیرعضو» گفته می‌شود.

۵. پاورقی صفحه ۱۱۶: جریمه نقدی موضوع ماده ۲۲۰ ق.ت. با توجه به مصوبه شماره ۱۵۳۹۷۳ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ هیأت دولت، اصلاح گردید.

۴. محمد صقری، حقوق بازرگانی: شرکت‌ها، ص ۳۰۸؛ محمود عرفانی، حقوق تجارت، ج ۳، ص ۵۲.

۵. اسکینی، همان، صص ۱۰۳-۱۰۵.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

### درس سوم:

تشکیل شرکتها

۱. (ص ۱۳۱. قسمت الف) نکته: در خصوص شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، تبصره ۳ ماده ۲۳ ق.ب.ا.ب. مقرر می‌دارد: «استفاده از وجوه تأدیه شده [در پذیره نویسی]، پس از تأیید تکمیل فرآیند «عرضه عمومی» توسط سازمان [بورس] مجاز است». بنابراین در شرکت‌هایی که پذیره‌نویسی آن در بورس انجام می‌شود، صرف ثبت شرکت برای استفاده از وجوه کافی نیست و برای این امر، تأیید سازمان بورس نیز الزامی است.

۲. (ص ۱۳۱ - اصلاح عبارتی) پ) مسئول ثبت شرکت:

ثبت شرکت بر عهده چه کسانی است؟ مؤسسين است یا اولین مدیرانی که در مجمع عمومی مؤسس انتخاب شده‌اند؟ منشأ تردید این است که در ماده ۱۹ ل.ا.ق.ت. مسئولیت عدم ثبت بر عهده «مؤسسين» است. از طرفی با وجود انتخاب مدیران توسط مجمع عمومی فوق‌العاده (ماده ۱۷ ل.ا.ق.ت.)، ایشان مسئولیت اداره شرکت را بر عهده دارند. لذا تردیدهایی در این باره مطرح شده است که وظیفه ثبت شرکت بر عهده کیست؟ به نظر می‌رسد ثبت شرکت بر عهده مؤسسين است. چرا که هم ماده ۱۹ ل.ا.ق.ت. از ایشان نام برده است و هم امور مقدماتی قبل از ثبت مانند رسیدگی به پذیره نویسی و غیره با مؤسسين می‌باشد.

۳. (ص ۱۳۲: ت) اطلاع رسانی ثبت شرکت:

مطابق ماده ۲۶ نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰: «مراجعه به دفاتر ثبت شرکتها اعم از ایرانی و خارجی برای عموم مردم آزاد است و هر ذینفعی می‌تواند از مندرجات آن سواد مصدق (رونوشت برابر با اصل) تحصیل کند». به عبارت دیگر تمام مردم حق دسترسی به اطلاعات ثبت شده شرکتها را دارند.<sup>۶</sup>

۴. گفتار پنجم به درس سوم (در انتهای صفحه ۱۳۵) اضافه شده است.

گفتار پنجم: تشکیل شرکت‌های مختلط

بند اول: شرکت مختلط غیر سهامی

<sup>۶</sup> . به همین جهت اداره ثبت شرکتها آگهی‌های قانونی شرکتها را در سامانه [rrk.ir](http://rrk.ir) منتشر می‌کند و در دسترس عموم است. ولی برخی از اطلاعات ثبت شده شرکت مانند اساسنامه شرکتها منتشر نمی‌شود. برای دسترسی به این اطلاعات نیز می‌توان از اداره ثبت شرکتها تقاضای دسترسی به آن نمود.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

قانون تجارت حکم صریحی در خصوص نحوه تشکیل شرکت مختلط غیر سهامی بیان نکرده است. به همین جهت به نظر می‌رسد قواعد تشکیل شرکت‌های مختلط مشابه شرکت‌های تضامنی و با مسئولیت محدود است و صرفاً از دو جهت تفاوت دارد:

**الف)** در شرکت تضامنی و شرکت بامسئولیت محدود، تمام سرمایه شریک باید در بدو تأسیس پرداخته یا تسلیم شود ولی در شرکت مختلط غیرسهامی، شریک بامسئولیت محدود می‌تواند تمام یا بخشی از سرمایه خود را تعهد به پرداخت نماید. این امر از ماده ۱۵۲ ق.ت. فهمیده می‌شود. چرا که این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه شرکت [مختلط غیر سهامی] به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود را نپرداخته و یا پس از تأدیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت سهم‌الشرکه باقی مانده است مستقیماً بر علیه شریک با مسئولیت محدود اقامه دعوی نمایند. اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت.»

**ب)** در شرکت مختلط غیرسهامی، سرمایه صرفاً از سوی شریک یا شرکای بامسئولیت محدود تأمین می‌شود و شریک یا شرکای ضامن با کار و صنعت و اعتبار خود در منافع شرکت سهیم می‌شوند.<sup>۷</sup>

### بند دوم: شرکت مختلط سهامی

مطابق ماده ۱۷۶ ق.ت. در خصوص نحوه تشکیل شرکت مختلط سهامی احکام زیر جاری است:

**الف)** برای تشکیل شرکت مختلط سهامی، باید تمام سرمایه شریک یا شرکای ضامن تأدیه شود و سهامداران نیز باید اقلاً یک سوم مبلغ سهم را نقداً تأدیه نمایند. مابقی مبلغ سهم را می‌توان تعهد به پرداخت نمود. (ماده ۳۸ ق.ت.). البته در صورتی که آورده سهامدار غیرنقد باشد، باید تمام آورده هنگام تشکیل شرکت تحویل شود. (ماده ۳۹ ق.ت.).

**ب)** در صورتی که بعضی سهامداران آورده غیرنقد داشته یا امتیازی مطالبه کنند، قیمت گذاری آورده یا تصویب امتیاز سهام در صلاحیت مجمع عمومی است. برای این منظور مجمع عمومی ابتدا اصل تقویم آورده غیرنقد یا امتیازات سهام را تصویب می‌کند. سپس جلسه دیگر مجمع عمومی دعوت و تشکیل می‌شود در حالی که حداقل پنج روز قبل از برگزاری جلسه دوم مجمع عمومی، گزارشی راجع به آورده غیر نقد یا امتیازهای مورد مطالبه سهامداران تهیه شده و در اختیار سهامداران و شرکا قرار می‌گیرد.

برای تشکیل جلسه دوم مجمع عمومی لازم است اقلاً دارندگان نیمی از سرمایه که از نظر عددی نیز نیمی از تعهدکنندگان سرمایه شرکت هستند حاضر باشند و در جلسه تشکیل شده نیز لااقل دو سوم تعهدکنندگان برسد.

<sup>۷</sup> . ستوده تهرانی، همان، ج ۲، ص ۲۸۵؛ اسکینی، حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۲، ص ۲۱۸؛ صقری، حقوق شرکتهای تجاری، ص ۷۷۱.



## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

کسانی که آورده غیرنقد یا امتیاز مورد مطالبه آن‌ها موضوع رأی گیری است، در آن خصوص حق رأی ندارند. (ماده ۴۱ ق.ت.).

سایر قواعد تشکیل شرکت مختلط سهامی تابع احکام شرکت تضامنی است. مثلاً شریک ضامن باید تمام آورده خود را فوراً تسلیم یا تأدیه کند.

۵. نکته ۳- در مورد شرکت‌های سهامی عامی که پذیره نویسی سهام خود را از طریق بورس انجام می‌دهند، مسئولین شرکت پذیره نویس موظفند حداکثر ظرف پانزده روز پس از اتمام پذیره نویسی، سازمان بورس را از نتایج توزیع و فروش اوراق بهادار، مطلع نمایند. (تبصره ۲ ماده ۲۳ ق.ب.ا.ب. ص ۱۲۷)

۶. ص ۱۳۱، انتهای قسمت ۲-۲: هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين خواهد بود. (قسمت اخیر ماده ۱۹ ل.ا.ق.ت.). هر چند پس از تشکیل شرکت، هزینه‌های تأسیس شرکت از اولین درآمد شرکت و قبل از تقسیم هر سودی به هزینه کننده پرداخت می‌شود. اصطلاحاً به این فرآیند بازپرداخت هزینه از محل درآمد شرکت، «استهلاک هزینه» تأسیس شرکت گفته می‌شود. (ماده ۲۳۶ ل.ا.ق.ت.).

۷. ص ۱۳۶، انتهای صفحه: نکته ۲- همچنان که بیان شد، عضو تعاونی موظف به رعایت مقررات اساسنامه است و عدم رعایت مقررات اساسنامه از موجبات اخراج عضو است. به عنوان نمونه عضو تعاونی مشاغل خاص (مانند تعاونی فرهنگیان) باید دارای شغلی باشد که در اساسنامه تعیین شده است. هر چند این حکم باعث محدود شدن نقدشوندگی سهم اعضای تعاونی می‌گردد. به همین جهت ماده ۱۰ ق.ا.س.ا. ۴۴ اجازه می‌دهد تا ۳۵٪ سهام تعاونی به اشخاصی که شرایط عضویت را ندارند، منتقل شود. به چنین اشخاصی «سهامدار غیر عضو» تعاونی گفته می‌شود.

۸. به انتهای صفحه ۱۳۸، گفتار هفتم اضافه شود:

### گفتار هفتم: ضمانت اجرای رعایت تشریفات قانونی در شرکت‌های تجاری

\*\*\*

تشکیل شرکت و پس از آن تصمیم‌گیری در شرکت و عملیات اداره شرکت تشریفات دارد که قانون تجارت به آن پرداخته است. پرسش اساسی درباره این تشریفات این است که رعایت نکردن آن چه ضمانت اجرایی دارد؟

#### بند اول: عدم رعایت تشریفات در شرکت سهامی

در خصوص شرکت سهامی ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. مقرر داشته است که «هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود برحسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع، بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد؛ لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند». در نتیجه این حکم مهم، عدم رعایت تشریفات موجب تزلزل و خدشه در اعتبار تشکیل یا تصمیمات یا عملیات شرکت است.

**نکته ۱-** بی اعتباری ناشی از عدم رعایت تشریفات، امری نسبی است. به این معنا که هر ذینفع می‌تواند تقاضای اعلام بطلان تشکیل یا عملیات شرکت را از دادگاه تقاضا کند ولی مؤسسين، مدیران، بازرسان یا صاحبان سهام نمی‌توانند در برابر اشخاص ثالث به این بطلان استناد نموده و از آن بهره‌مند شوند. البته مؤسسين، مدیران، بازرسان یا صاحبان سهام می‌توانند در برابر یکدیگر به بطلان تشکیل یا عملیات شرکت در نتیجه عدم رعایت تشریفات استناد کنند.

**نکته ۲ (مهم)** - «در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت، کسانی که مسئول بطلان هستند متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به (۱) صاحبان سهام و (۲) اشخاص ثالث متوجه شده است». (ماده ۲۷۳ ل.ا.ق.ت.).

**نکته ۳-** در صورتی که تشریفات قانونی در خصوص تشکیل یا عملیات شرکت سهامی رعایت نشود، موجب بطلان مطلق تشکیل یا تصمیمات یا عملیات شرکت نیست بلکه برای ذینفع قابل ابطال است.

**نکته ۴-** با توجه به نکته فوق «در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی، موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر خواهد کرد». (ماده ۲۷۱ ل.ا.ق.ت.).

**نکته ۵-** «دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه شده است می‌تواند بنا به درخواست، مهلتی که از شش ماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور، تاریخ وصول پرونده از دفتر به دادگاه است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد، دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد». (ماده ۲۷۲ ل.ا.ق.ت.).

### بند دوم: عدم رعایت تشریفات در سایر شرکتهای تجاری

در مورد سایر شرکتها نیز قاعده موضوعیت داشتن تشریفات قانونی جاری است و این قاعده از برخی مواد قانونی برداشت می‌شود. از جمله این احکام، ماده ۱۹۸ ق.ت. است. به موجب این ماده، در صورتی که به علت ثبت نکردن اسناد و نوشته‌های شرکت در مواردی که ثبت آن الزامی است، عملیات شرکت باطل شود، «هیچیک از شرکاء نمی‌توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده اند عذر قرار دهند».

همچنین در خصوص شرکت با مسئولیت محدود تشریفات تشکیل شرکت در مواد ۹۶ و ۹۷ ق.ت. بیان شده و در ادامه، ماده ۱۰۰ ق.ت. مقرر می‌دارد: «هر شرکت با مسئولیت محدود که بر خلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل

## الحاقت چاپ دوم و سوم کتاب در سنامه جامع حقوق تجارت

شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند».

شبهت حکم ماده ۱۰۰ ق.ت. در مورد شرکت با مسئولیت محدود با مواد ۲۷۰ تا ۲۷۳ ل.ا.ق.ت. در خصوص شرکت سهامی این است که در هر دو شرکت، بطلان شرکت در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست و تفاوت دو شرکت در این است که در شرکت سهامی تا قبل از صدور حکم بدوی بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات شرکت می توان موجبات بطلان را مرتفع نمود ولی در شرکت با مسئولیت محدود، شرکت باطل بوده و موجب بطلان را نمی توان مرتفع نمود.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

### درس چهارم:

#### رکن تصمیم‌گیری در شرکت‌ها

۱- ص ۱۴۰: بحث ۲- انتخاب اولین مدیران و بازرسان در شرکت سهامی عام با چه نصابی انجام می‌شود؟ (نظر اصلاحی)

مطابق ماده ۷۴ ل.ا.ق.ت. انتخاب اولین مدیران و بازرسان شرکت سهامی عام در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس است و از طرفی ماده ۷۵ ل.ا.ق.ت. مقرر می‌دارد: «کلیه تصمیمات (مجمع عمومی مؤسس) باید به اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ می‌شود». بنابر این به نظر می‌رسد انتخاب مدیران و بازرسان در مجمع عمومی مؤسس با نصاب دوم سوم آرای حاضر در مجمع انجام می‌شود.

البته این نتیجه قابل نقد به نظر می‌رسد چرا که انتخاب مدیران و بازرسان در مجامع عمومی عادی با اکثریت نسبی و تشریفاتی که در ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت. بیان شده انجام می‌شود. این تشریفات برای حمایت از حقوق سهامداران خرد پیش بینی شده است و شایسته است در مجمع عمومی مؤسس نیز به همان ترتیب مدیران و بازرسان انتخاب شوند. با این حال در نظم کنونی ظاهر ماده ۷۴ و ۷۵ ل.ا.ق.ت. حاکم است.

۲- ص ۱۴۶: نکته ۲- سهامدارانی که اقلاً دارای ۲۰٪ سهام شرکت هستند، می‌توانند دعوت هر مجمعی (عادی یا فوق‌العاده) با هر موضوعی (مثل انتخاب مدیران یا انحلال و ...) را تقاضا کنند.

۳- ص ۱۴۶: نکته ۳- مطابق تصریح ماده ۹۵ ل.ا.ق.ت. «سهامدارانی که اقلاً یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند» حق دعوت مجمع را با شرایط فوق دارند. به همین جهت صرف مالکیت بر سهام برای اعمال ماده ۹۵ ل.ا.ق.ت. کافی است و لازم نیست سهام چنین سهامداری دارای حق رای نیز باشد.

۹. نکته ۳ (مهم) - مطابق بند چ ماده ۶۸ قانون برنامه ششم توسعه در مورد شرکتهای ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، دعوتنامه‌های مجامع عمومی و حضور در مجامع عمومی شرکت و اعمال حق رأی، می‌تواند به طریق الکترونیکی به روش مورد تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار، انجام شود. به عبارت دیگر شرکتهای ثبت شده نزد سازمان بورس، امکان تشکیل مجمع عمومی به صورت الکترونیک دارند.<sup>۸</sup> (ص ۱۴۹)

۸. چ - در مورد شرکتهای ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، موارد زیر می‌تواند به طریق الکترونیکی به روشی که به تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار می‌رسد، صورت پذیرد:

۱- ارسال گواهینامه حق تقدم خرید سهام جدید از طرف شرکت به صاحبان سهام به جای استفاده از پست سفارشی.

۲- انتشار اعلامیه‌های پذیره‌نویسی و دعوتنامه‌های مجامع عمومی و اطلاعیه‌ها از طرف شرکت به شکل الکترونیکی و یا انتشار در روزنامه‌های کثیرالانتشار و جراید.

۳- پذیره‌نویسی و تعهد خرید سهام شرکت، به جای مراجعه به بانک و تکمیل اوراق مربوطه.

۴- حضور در مجامع عمومی شرکت و اعمال حق رأی.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

۱۰. نکته ۱- مهلت ثبت صورتجلسه مجمع: قانون تجارت به طور کلی مهلتی برای ثبت صورتجلسه مجمع عمومی تعیین نکرده است، مگر در مورد ثبت تصمیم مجمع عمومی فوق العاده در خصوص انحلال شرکت. مطابق ماده ۲۰۹ ل.ا.ق.ت. «تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آن‌ها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه‌های کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود...» (انتهای ص ۱۵۱)

۱۱. گفتار چهارم: نظام تصمیم‌گیری در شرکت‌های مختلط (این گفتار به درس چهارم ص ۱۵۴ اضافه شود)

### بند اول: شرکت مختلط غیرسهامی

قانون تجارت هیچ حکمی مبنی بر لزوم برگزاری مجمع عمومی یا تشریفات دیگری در این شرکت بیان نکرده است و صرفاً در ماده ۱۴۲ ق.ت. مقرر می‌دارد: «روابط بین شرکا با رعایت مقررات ذیل تابع شرکت‌نامه خواهد بود». به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که تصمیم‌گیری در شرکت مختلط غیرسهامی با اتفاق آرا و بدون تشریفات خاصی صورت می‌گیرد، مگر این که ترتیب یا تشریفات خاصی برای تصمیم‌گیری در شرکت‌نامه قید شده باشد.

### بند دوم: شرکت مختلط سهامی

در شرکت مختلط سهامی تصمیم‌گیری از طریق مجمع عمومی صورت می‌گیرد. همچنانکه در درس پیش دیدیم، تصویب آورده غیرنقد و امتیازات مورد مطالبه صاحبان سهام و شرکا در مجمع عمومی انجام می‌شود. علاوه بر این، در موارد دیگری نیز قانونگذار به لزوم برگزاری مجمع عمومی در شرکت مختلط سهامی اشاره نموده است:

۱. انتخاب هیأت‌نظار بلافاصله پس از تشکیل شرکت و به موجب رأی مجمع عمومی صورت می‌پذیرد. (ماده ۱۶۵ ق.ت.).

۲. به موجب ماده ۱۶۸ ق.ت. هیأت‌نظار هر سال ضمن بررسی اسناد و دفاتر و صندوق شرکت، گزارشی از وضعیت مالی شرکت به مجمع عمومی ارائه داده و مجمع عمومی بر اساس آن سود شرکت را تقسیم می‌کند. از این ماده برداشت می‌شود که تشکیل مجمع عمومی به طور سالیانه و برای رسیدگی به صورت‌های مالی الزامی است.

۳. مطابق ماده ۱۶۹ ق.ت. تصمیم‌گیری در خصوص انحلال شرکت در صلاحیت مجمع عمومی است.

---

۵- صدور گواهی‌نامه موقت سهام، اوراق سهام و گواهی‌نامه‌های حق تقدم خرید سهام شرکت به جای چاپ کاغذی آنها.

۶- ثبت نقل و انتقالات سهام و گواهی‌نامه‌های حق تقدم خرید سهام شرکت، به جای ثبت آنها در دفاتر کاغذی.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

از مجموع مواد فوق برداشت می‌شود که تصمیم‌گیری در شرکت مختلط سهامی در مجمع عمومی صورت می‌پذیرد.<sup>۹</sup>

نکته ۱- به طور کلی و به جز مورد اول، دعوت مجمع عمومی بر عهده و در صلاحیت هیأت نظار است.

نکته ۲- در هیچ یک از موارد، حد نصاب تصمیم‌گیری در قانون بیان نشده است. با این حال ظاهر امر این است که تصمیمات مجامع عمومی اصولاً با حد نصاب اکثریت حاضرین معتبر است.<sup>۱۰</sup> (صفحه ۱۶۳)

---

<sup>۹</sup> . برخی حقوقدانان برای شرکت مختلط سهامی دو نوع مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده را با صلاحیت‌ها و نصاب‌های مختلف در نظر گرفته‌اند (صقری، حقوق شرکتهای تجاری، صص ۷۵۹-۷۶۱) ولی چنین تفکیکی مبنای قانونی ندارد.

<sup>۱۰</sup> . صقری، همان، ص ۷۶۰.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

### درس پنجم:

#### اداره شرکتها

۱. انتهای صفحه ۱۶۰ نکات زیر اضافه شود:

**نکته ۱-** در صورتی که در هیأت مدیره، عضو موظف وجود نداشته و همه اعضا، غیر موظف باشند، حداکثر پاداش مجموع اعضای هیأت مدیره ۳٪ یا ۶٪ سود خالص سالانه شرکت است.

**نکته ۲-** پاداش مدیران شرکت‌های دولتی تابع حکم فوق نیست و به موجب ماده ۸۴ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ اولاً ناخالص حقوق و مزایای دریافتی مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره شرکت‌های دولتی و غیردولتی که به نحوی از انحاء وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی می‌باشند باید حداکثر از ده برابر حداقل حقوق مصوب سالانه شورای عالی کار بیشتر نباشد.

**ثانیاً** پاداش پایان سال اعضای هیأت مدیره شرکت‌های فوق صرفاً به اشخاص حقوقی آنان قابل پرداخت بوده و مدیران عامل و اعضای موظف هیأت مدیره به غیر از حقوق و مزایای تعیین شده فوق و اعضای غیرموظف به جز حق جلسه ماهانه که حداکثر از دو برابر حداقل حقوق مصوب شورای عالی کار برای هرماه بیشتر نیست، هیچ‌گونه مبلغی تحت هیچ عنوانی دریافت نمی‌کنند.

\*\*\*

۱۲. **نکته ۳-** عضویت در هیأت مدیره چند شرکت یا حتی ریاست هیأت مدیره چند شرکت، اصولاً ممنوع نیست. تنها استثنا در این مورد، عضویت در هیأت مدیره چند شرکت دولتی یا شرکت‌های متعلق به نهادهای عمومی غیر دولتی است. به موجب تبصره ۲ ماده ۲۴۱ ل.ا.ق.ت.<sup>۱۱</sup> «هیچ فردی نمی‌تواند اصالتاً یا به نمایندگی از شخص حقوقی، هم‌زمان در بیش از یک شرکت که تمام یا بخشی از سرمایه آن متعلق به دولت یا نهادها یا مؤسسات عمومی غیردولتی است به سمت مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره انتخاب شود. متخلف علاوه بر استرداد وجوه دریافتی به شرکت، به پرداخت جزای نقدی معادل وجوه مذکور محکوم می‌شود.» (انتهای ص ۱۶۳).

\*\*\*

۱۳. **نکته:** ماده ۱۳۵ ل.ا.ق.ت. ناظر به موردی است که تشریفات انتخاب مانند حد نصاب رای‌گیری در خصوص انتخاب مدیرعامل رعایت نشده باشد. در صورتی که تشریفات صحیح بوده ولی شخصی انتخاب شود که ممنوعیت قانونی داشته است، مشمول ماده ۱۲۶ ل.ا.ق.ت. است. به موجب ماده ۱۲۶ ل.ا.ق.ت. اعمال چنین مدیرعاملی در برابر (۱) صاحبان سهام و (۲) اشخاص ثالث معتبر است ولی به موجب ماده

۱۱. مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

۱۳۵ ل.ا.ق.ت.، اعمال چنین مدیر عاملی صرفاً در برابر اشخاص ثالث معتبر است و شامل صاحبان سهام نمی‌شود. (ص ۱۶۷ به انتهای قسمت اضافه شود)

\*\*\*

۱۴. (ث) دوره مأموریت مدیرعامل: مدت مأموریت مدیرعامل توسط هیأت مدیره تعیین می‌شود. قانون در خصوص مدت مأموریت مدیرعامل به طور کلی سکوت کرده است ولی مطابق نظر مشهور، حداکثر دوره مدیریت عاملی ۲ سال است و البته می‌توان پس از پایان این دوره، مدت مدیرعاملی را تمدید نمود.

نکته ۱- در صورتی که مدیر عامل، عضو هیأت مدیره نیز باشد، دوره مدیر عاملی او نمی‌تواند بیش از دوران عضویت وی در هیأت مدیره باشد اما در صورتی که عضو هیأت مدیره نباشد، تا پایان مدت تعیین شده مدیرعامل باقی می‌ماند. (ماده ۱۲۴ ل.ا.ق.ت.).

نکته ۲- ماده ۱۳۶ ل.ا.ق.ت. در خصوص تداوم مسئولیت مدیران پس از دوره مدیریت شامل مدیرعامل شرکت نیست. (ص ۱۶۷ اضافه شود)

\*\*\*

۱۵. مطابق ماده ۱۱۵ ق.ت. مدیران نسبت به قیمت گذاری غیر واقعی آورده، مسئولیت کیفری دارند ولی مسئولیت جبران خسارت ندارد و مسئولیت تضامنی جبران خسارت در این مورد مخصوص شرکا است (ماده ۹۸ ق.ت.). (پاورقی ص ۱۷۷).

\*\*\*

۱۶. گفتار چهارم به درس پنجم (ص ۱۷۸) اضافه شود:

### گفتار چهارم: شرکت‌های مختلط

قانون تجارت احکام مفصلی در خصوص مدیریت شرکت‌های مختلط بیان نکرده و صرفاً از چند ماده معدود، نکات زیر برداشت می‌شود:

اداره شرکت‌های مختلط (اعم از شرکت مختلط غیر سهامی و شرکت مختلط سهامی) منحصرأ بر عهده شریک یا شرکای ضامن است (ماده ۱۴۴ و ماده ۱۶۴ ق.ت.) و شریک با مسئولیت محدود یا سهامدار نه وظیفه و نه حق اداره شرکت را دارد (ماده ۱۴۵ ق.ت.). به همین خاطر ماده ۱۴۶ ق.ت. بیان داشته است: «اگر شریک با مسئولیت محدود معامله‌ای برای شرکت کند در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت؛ مگر این‌که تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام می‌دهد».

حدود اختیارات مدیر یا مدیران شرکت‌های مختلط مشابه اختیارات مدیر یا مدیران شرکت تضامنی است که در گفتار پیش بیان شد. (قسمت اخیر ماده ۱۴۴ ق.ت. و اصول حقوقی). به این ترتیب رابطه مدیر یا مدیران با شرکت رابطه وکالت است.



## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

\*\*\*

۱۷. نکته ۲- پس از انقضای مدت مأموریت هیأت مدیره در صورتی که انتخاب هیأت مدیره جدید انجام نشده باشد هیأت مدیره سابق تا انتخاب وقبولی هیأت مدیره جدید کماکان وظایف محوله را انجام داده و مسئولیت اداره امور شرکت را بر عهده خواهند داشت. (ماده ۵۰ ق.ش.ت.). (ص ۱۷۸)

\*\*\*

۱۸. حدود اختیارات مدیران در شرکت تعاونی مانند اختیارات وکیل نسبت به موکل است و بر خلاف شرکت سهامی، اصل بر عام بودن اختیارات مدیران در شرکت تعاونی نیست. به همین خاطر صلاحیت‌های مدیران محدود است به مواردی که در ماده ۳۷ ق.ب.ت. بیان شده است. (ص ۱۸۰)

۱۹. ص ۱۷۶: نکته ۳- مدیران نسبت به بدهی مالیاتی شرکت که در دوره آن‌ها قطعی شده مسئولیت دارند، حتی اگر این مالیات پیش از دوره مدیریت آنها تشخیص داده شده باشد.

۲۰. ص ۱۷۶: نکته ۴- به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، علیرغم اطلاق ماده ۱۹۸ ق.م.م. آن دسته از اعضای هیأت مدیره که در شرکت حق امضا ندارند، نسبت به پرداخت بدهی مالیاتی شرکت مسئولیتی نخواهند داشت.<sup>۱۲</sup>

\*\*\*

### ۲۱. ص ۱۸۵: بند پنجم: معاملات مدیران

مطابق قسمت اخیر ماده ۱۰ ق.ا.س.ا. ۴۴. «معاملات مدیران شرکتهای تعاونی و اتحادیه های تعاونی مشمول ماده (۱۲۹) قانون تجارت خواهد بود». به این ترتیب احکام معاملات تحت کنترل در شرکت سهامی که پیش از این بیان شد، در شرکتهای تعاونی نیز اعمال می‌گردد.

نکته: ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت. در خصوص بطلان وام یا اعتبار گرفتن مدیر از شرکت سهامی و یا بطلان تضمین و تعهد دیون مدیر توسط شرکت سهامی و نیز حکم ماده ۱۳۳ ل.ا.ق.ت. در خصوص معاملات متضمن رقابت در شرکتهای تعاونی جاری نیست.

\*\*\*

---

<sup>۱۲</sup>. فرهاد بیات، صفر تا صد حقوق کسب و کار، ص ۱۴۰.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

درس ششم:

### بازرسی شرکتها

۱. ص ۱۸۷:

**نکته ۱-** مجمع عمومی موظف است علاوه بر انتخاب بازرس یا بازرسان اصلی، یک یا چند بازرس علی البدل انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفا یا سلب شرایط بازرس اصلی، برای انجام وظایف بازرسی دعوت شوند.

**یادآوری:** انتخاب عضو هیأت مدیره علی البدل اختیاری و انتخاب بازرس علی البدل الزامی است.

**نکته ۲-** مطابق ماده ۱۵۵ ل.ا.ق.ت. تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است. هر چند در مواردی که دادگاه بازرس تعیین می‌کند، همان مرجع حق الزحمه بازرس را تعیین کرده و شرکت مکلف به پرداخت است.

۲. ص ۱۸۷: **ب) دوره مأموریت بازرس:** مطابق ماده ۱۴۴ ل.ا.ق.ت. اصولاً دوره مأموریت بازرس یا بازرسان یکسال است؛ مگر در مواردی که بازرس توسط دادگاه انتخاب شود. در این صورت دوره بازرسی تا زمان انتخاب بازرس توسط مجمع عمومی عادی شرکت خواهد بود.

**بحث:** در صورتی که دوره مأموریت بازرس تمام شده و مجمع عمومی عادی بازرس جدید تعیین نکرده باشد، آیا مأموریت بازرسان ادامه می‌یابد؟

منشأ تردید این است که در خصوص مدیران، ماده ۱۳۶ ل.ا.ق.ت. مقرر می‌دارد پس از انقضای مدت و تا زمان انتخاب مدیران جدید، مسئولیت اداره امور کماکان بر عهده مدیران سابق است. از آن جا که بازرسان نیز مانند مدیران، رکن شرکت هستند، جای پرسش است که آیا مأموریت بازرسان نیز پس از انقضای دوره مأموریت ادامه دارد. به نظر می‌رسد بر خلاف مدیران، مأموریت بازرسان پس از انقضای مدت مأموریت ادامه نداشته باشد. چرا که اولاً مدیران خود مسئول دعوت مجمع عمومی عادی برای انتخاب مدیر جایگزین هستند و به همین جهت ماده ۱۳۶ ل.ا.ق.ت. به عنوان تنبیه چنین حکمی داده است. ثانیاً ماده ۱۳۶ ل.ا.ق.ت. مبین حکمی استثنایی است و تعبیم دادن آن به سایر ارکان شرکت نیاز به دلیل کافی دارد؛ در حالی که در خصوص بازرسان، قانون سکوت کرده است.

\*\*\*

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

۳. گفتار سوم به درس ششم (ص ۱۸۷) اضافه شود:

گفتار سوم: نظارت در شرکتهای شخص و مختلط

**بند اول: شرکت تضامنی و نسبی**

در قانون تجارت اساساً نسبت به شرکت تضامنی و نسبی، نظارت و بازرسی اجباری پیش بینی نشده است. به همین جهت شرکا می‌توانند به اختیار خود و به موجب شرکتنامه، بازرسی یا بازرسانی برای شرکت تعیین کنند ولی در صورت سکوت، الزامی وجود ندارد.

**بند دوم: شرکت مختلط غیر سهامی**

در شرکت مختلط غیر سهامی، نظارت بر عملکرد شرکت از حقوق شریک بامسئولیت محدود است. به عبارت دیگر از آنجا که مدیریت این شرکت در صلاحیت شریک ضامن می‌باشد، شریک با مسئولیت محدود نیز حق نظارت در امور شرکت را دارد و در این راستا می‌تواند از روی دفاتر و اسناد شرکت برای اطلاع یافتن از وضعیت مالی شرکت صورت برداری کند. این حکم، قاعده‌ای آمره است و شرکا نمی‌توانند بر خلاف آن توافق کنند. (ماده ۱۴۷ ق.ت.).

**نکته:** شریک بامسئولیت صرفاً حق نظارت دارد و نظارت جزء وظایف او نیست و به او بازرسی گفته نمی‌شود. به همین جهت اگر در اثر عدم نظارت شریک بامسئولیت محدود، خسارتی به شرکت وارد آمد، مسئولیتی متوجه او نیست.

**بند سوم: شرکت مختلط سهامی**

نحوه نظارت در شرکت مختلط سهامی تفاوتی اساسی با شرکت مختلط غیر سهامی وجود دارد: مطابق ماده ۱۶۵ ق.ت. «در هر یک از شرکتهای مختلط سهامی هیئت لاقبل مرکب از سه نفر از شرکاء برقرار می‌شود و این هیئت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می‌کند. انتخاب هیئت بر حسب شرائط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می‌شود و در هر صورت اولین هیئت نظار برای یکسال انتخاب خواهد شد».

بنابر این قواعد بازرسی در این شرکت، ساختاری و حرفه‌ای است. وظایف و مسئولیت هیأت نظار در گفتار پیش (شرکت بامسئولیت محدود) بیان شد.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

### درس هفتم:

### اوراق بهادار

(سهام، سهم شرکت و اوراق مشارکت)

۱. ص ۱۹۹: نکته: چنانچه شرکتی قصد داشته باشد، سهام خود را تجزیه کند و اشخاصی دارای پاره سهم باشند، باید مبلغ اسمی و قطعات سهام به نحو متساوی تجزیه شود. (ماده ۳۲ ل.ا.ق.ت.). مثلاً یک شرکت سهامی خاص دارای صد سهم ده میلیون ریالی است. شرکت تصمیم دارد بدون این که افزایش سرمایه بدهد، سهمها را تجزیه کند تا برخی اشخاص بتوانند پاره سهم یک میلیون ریالی داشته باشند، باید تمام سهمها به نحو مساوی به ده قسمت یک میلیون ریالی تقسیم شود.

\*\*\*

۲. به درس هفتم، این گفتار اضافه شود (ص ۱۹۹)

#### گفتار دوم: سهام در شرکت تعاونی و شرکت مختلط سهامی

علاوه بر شرکت سهامی، در شرکت تعاونی و شرکت مختلط سهامی، سهام وجود دارد. البته قواعد حاکم بر سهام در این شرکتها چندان مفصل نیست.

#### بند اول: سهام در شرکت مختلط سهامی

در شرکت مختلط سهامی اگرچه سهم وجود دارد ولی برای دارنده سهم از عبارت «شریک سهامی» (ماده ۱۶۲ ق.ت.). استفاده شده است. قانون تجارت احکام مفصل و جامعی در خصوص سهام شرکت مختلط سهامی بیان نکرده است و فقط به موجب ماده ۱۷۶ ق.ت. احکام زیر در مورد سهام این شرکت جاری است:

۱. اگر سرمایه شرکت تا ۲۰ هزار ریال باشد، حداقل مبلغ اسمی هر اسم، ۵۰ ریال است و اگر سرمایه شرکت بیش از ۲۰ هزار ریال باشد، حداقل مبلغ اسمی هر اسم ۱۰۰ ریال خواهد بود. (ماده ۲۸ ق.ت. مصوب ۱۳۱۱).

۲. تا زمانی که شرکت تشکیل نشده، صدور هر نوع سهم یا گواهی موقت سهم باطل است و صادرکنندگان چنین سهامی در برابر دارنده این اوراق، مسئولیت تضامنی برای جبران خسارت دارند.

#### بند دوم: سهام در شرکت تعاونی

سرمایه شرکت تعاونی تقسیم به سهام برابر می شود؛ هرچند اصولاً به دارنده سهم در این شرکت، «عضو» گفته می شود. با توجه به قانون بخش تعاون و قانون شرکت های تعاونی، احکام زیر در خصوص سهام شرکت تعاونی جاری است:

۱. سهم در شرکت تعاونی همواره بانام است.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

۲. سهم هیچ یک از اعضا نمی‌تواند بیش از یک هفتم سرمایه شرکت تعاونی باشد.<sup>۱۳</sup>
۳. انتقال ارادی سهم به دیگر اعضای تعاونی اصولاً مجاز است، به شرط اینکه اولاً سهم انتقال گیرنده از یک هفتم سرمایه شرکت بیشتر نشود و ثانیاً در قوانین یا اساسنامه شرکت، برابری سهام اعضا شرط نشده باشد. (ماده ۲۲ ق.ب.ت.)
۴. انتقال ارادی سهم به شخص غیر عضو اصولاً مجاز نیست مگر اینکه انتقال گیرنده دارای شرایط عضویت در تعاونی باشد. (ماده ۲۲ ق.ب.ت. و ماده ۱۰ ق.ا.س.ا.۴۴۰).
۵. انتقال قهری سهم (مانند ارث) به شخصی که عضو بوده یا شرایط عضویت دارد مجاز است و انتقال گیرنده عضو تعاونی شناخته می‌شود؛ مگر اینکه سهم انتقال گیرنده از یک هفتم سرمایه شرکت بیش‌تر نشود یا در قوانین یا اساسنامه شرکت، برابری سهام اعضا شرط شده باشد. در این صورت شرکت تعاونی باید مابه التفاوت افزایش سهم از یک هفتم را نقداً به آن شخص بپردازد.<sup>۱۴</sup>
۶. اگر سهم یا سهام عضو به چند وارث منتقل شود و همه آنها شرایط عضویت داشته باشند، همه آنها عضو محسوب می‌شوند ولی باید مابه التفاوت افزایش سهم را بپردازند. مثلاً اگر دارنده یک سهم فوت شود و سه وارث (با سهم الارث برابر) داشته باشد که همه آنها شرایط عضویت دارند، باید هر کدام مابه التفاوت یک سوم سهم تا قیمت کل آن را به تعاونی بپردازند. (ماده ۱۴ ق.ب.ت.)
۷. اگر سهم یا سهام عضو به وراثی منتقل شود که شرایط عضویت ندارند یا شرایط عضویت را دارند ولی کتباً اعلام می‌کنند که تمایلی به عضویت در تعاونی ندارند، سهم یا سهام مزبور تبدیل به دین تعاونی شده و باید معادل آن سهم را پس از کسر بدهی عضو به تعاونی، ظرف سه ماه به وراث پرداخت شود. (ماده ۱۵ ق.ب.ت.).

احکام فوق در موردی نیز که با حکم قضایی سهم عضوی به دیگری منتقل شود، جاری می‌گردد.

<sup>۱۳</sup>. ماده ۳ آیین نامه اجرایی مواد ۶ و ۲۰ قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران.

<sup>۱۴</sup>. دمرچیلی و همکاران، همان، ص ۴۰۰.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

### درس هشتم

#### حساب‌های شرکت

به این درس، گفتار سوم (در ص ۲۰۸) اضافه شود:

#### گفتار سوم: شرکت‌های شخص و مختلط

##### بند اول: شرکت تضامنی و نسبی

در مورد حساب‌های شرکت تضامنی و نسبی نیز قانون سکوت نموده است و فقط ماده ۱۳۲ ق.ت. درباره تقسیم سود شرکت بیان می‌دارد: «اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم الشرکه شرکا کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تودیع هر نوع منفعت به شرکا ممنوع است».

بنابر این در هیچ یک از شرکت‌های تضامنی و نسبی (و با مسئولیت محدود) تشریفات خاصی برای تقسیم سود و صورت‌های مالی و ... پیش بینی نشده است.

##### بند دوم: شرکت‌های مختلط

قانون تجارت در مورد حساب‌های شرکت مختلط غیر سهامی، حکم چندانی مقرر نداشته و تنها در ماده ۱۵۴ ق.ت. بیان داشته است که **اولاً** تقسیم سود تنها در صورتی ممکن است که موجب از بین رفتن اصل سرمایه شریک بامسئولیت محدود در شرکت نشود. **ثانیاً** تا زمانی که زیان وارد شده به اصل سرمایه جبران نشود، تقسیم سود ممنوع است. **ثالثاً** در صورتی که بر خلاف این حکم سودی تقسیم شود، شریک با مسئولیت محدودی که آن را دریافت کرده تا معادل وجه دریافتی مسئولیت شخصی نسبت به تعهدات شرکت خواهد داشت. مگر این که در دریافت سود، حسن نیت داشته و با اعتماد به صورت‌های مالی تنظیم شده توسط مدیران سودی دریافت کند.

در خصوص شرکت مختلط سهامی حکم فوق بیان نشده است. اما روشن است که در این شرکت نیز تا زمانی که زبانی به اصل سرمایه وارد شده باشد، امکان تقسیم سود وجود ندارد.

از طرفی در شرکت مختلط سهامی، مدیر یا مدیران موظفند تا ۱۵ روز قبل از برگزاری مجمع عمومی «بیان» و «صورت دارایی» شرکت را در اختیار سهامداران قرار دهند. هیأت نظار نیز باید ظرف همین مدت گزارشی راجع به صحت صورت دارایی و مخالفت یا موافقت خود با پیشنهاد تقسیم سود مدیر شرکت را به سهامداران ارائه دهند. (مواد ۱۶۸ و ۱۷۰ ق.ت.).

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

### درس نهم:

#### تغییرات در سرمایه شرکت

(افزایش سرمایه و کاهش سرمایه)

۱. ص ۲۰۹: نکته مهم: افزایش سرمایه از طریق افزایش مبلغی اسمی سهام ممکن است برای سهامداران ایجاد تعهد نماید. در این صورت برای تصویب افزایش سرمایه باید همه صاحبان سهم موافق باشند. (ماده ۹۴ و ۱۵۹ ل.ا.ق.ت.). روشن است در مواردی که افزایش سرمایه موجب ایجاد تعهد برای سهامدار نمی-شود، نیازی به موافقت همه سهامداران نیست و با همان نصاب تصمیم‌گیری در مجمع عمومی فوق‌العاده تصمیم‌گیری می‌شود؛ هرچند این افزایش سرمایه از طریق افزایش مبلغ اسمی سهم باشد. مانند موردی که افزایش مبلغ اسمی سهم از محل اندوخته اختیاری یا سود انباشته شرکت باشد.
۱. بند سوم از گفتار اول (تشریفات سرمایه) در ص ۲۱۳ و ۲۱۴ به شرح زیر تغییر یافت:

بند سوم: شرایط و تشریفات افزایش سرمایه

**الف) تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده و تفویض اجرا به هیأت مدیره:** تصویب افزایش سرمایه در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است و اساسنامه شرکت نیز نمی‌تواند متضمن اعطای اختیار افزایش به هیأت مدیره باشد. (ماده ۱۶۴ ل.ا.ق.ت.).

تصمیم‌گیری در مجمع به پیشنهاد هیأت مدیره و پس از قرائت گزارش بازرسان صورت می‌گیرد. (ماده ۱۶۱ ل.ا.ق.ت.). همچنین مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت مدیره اجازه دهد ظرف مدت معینی که نباید از ۵ سال بیشتر باشد، سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی افزایش دهد (ماده ۱۶۲ ل.ا.ق.ت.). همچنین می‌تواند (۱) زمان دقیق و (۲) شرایط مربوط به فروش سهام جدید و روش پرداخت مبلغ سهام جدید را به هیأت مدیره تفویض نماید. (ماده ۱۶۱ ل.ا.ق.ت.).

**ب) اطلاع رسانی به سهامداران:** در مواد ۱۶۹ و ۱۷۰ ل.ا.ق.ت. مقرر شده است که پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشار شرکت آگهی شود.

**سوال:** چرا فقط در افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید الزام به نشر آگهی وجود دارد؟ چون در افزایش سرمایه از طریق مبلغ اسمی تصمیم‌گیری با اتفاق آرا انجام می‌شود یا خود شرکت از محل سود و اندوخته، مبلغ را می‌پردازد.

**نکته:** قانون مهلتی برای نشر آگهی در نظر نگرفته است، چرا که بدون نشر آگهی اساساً افزایش سرمایه قابل انجام نیست.

**پ) لزوم تأدیه تمام سرمایه قبلی شرکت قبل از افزایش سرمایه.** مطابق ماده ۱۶۵ ل.ا.ق.ت. اگر بخشی از سرمایه شرکت تعهد شده باشد، تا زمانی که آن سرمایه به طور کامل پرداخت نشود، افزایش سرمایه ممکن نیست.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

ت) پرداخت مبلغ افزایش سرمایه: در قسمت پیش دیدیم که افزایش سرمایه به روش‌های مختلفی ممکن است. در بسیاری از روش‌ها پس از تصویب افزایش سرمایه نیاز به پرداخت مبلغ خاصی نیست ولی در روش افزایش سرمایه از طریق پرداخت مبلغ به نقد، باید پس از تصویب افزایش سرمایه، مبلغ سرمایه باید پرداخته شود. پرداخت مبلغ افزایش سرمایه در شرکت سهامی خاص با شرکت سهامی عام متفاوت است. در شرکت سهامی خاص، مبلغ توسط سهامداران فعلی شرکت پرداخت می‌شود یا سهامدار جدیدی با توافق سهامداران قبلی مبلغ را می‌پردازد؛ ولی در شرکت سهامی عام، مبلغ افزایش سرمایه از طریق پذیره‌نویسی تأمین می‌گردد.

۱) پرداخت مبلغ افزایش سرمایه در شرکت سهامی خاص: در شرکت سهامی خاص می‌توان مصوب کرد که مبلغ افزایش سرمایه نقداً پرداخته شود یا به صورت غیرنقد تأدیه گردد. در صورتی که آورده پذیره‌نویس غیرنقد باشد، باید اولاً آورده توسط کارشناس رسمی دادگستری قیمت گذاری شود و ثانیاً تمام آورده فوراً تحویل گردد.

نکته: چه در شرکت سهامی خاص و چه شرکت سهامی عام، در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شود. (ماده ۱۸۸ ل.ا.ق.ت.).

۲) پرداخت مبلغ افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام: شرکت‌های سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند. (ماده ۱۷۳ ل.ا.ق.ت.). مفاد طرح اعلامیه پذیره نویسی در ماده ۱۷۴ ل.ا.ق.ت. بیان شده است.

مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول طرح اعلامیه پذیره نویسی و ضmann آن<sup>۱۵</sup> و تطبیق مندرجات آن‌ها با مقررات قانونی و دریافت موافقت از طرف سازمان بورس اوراق بهادار، اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود. (ماده ۱۷۶ ل.ا.ق.ت. و ماده ۲۵ ق.ب.ا.ب.).

اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن نشر می‌گردد اقبالاً در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن به عمل می‌آید در معرض دید علاقمندان قرار داده شود. (ماده ۱۷۷ ل.ا.ق.ت.).

خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام<sup>۱۶</sup> را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد. (ماده ۱۷۸ ل.ا.ق.ت.).

---

۱۵. ماده ۱۷۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید ضمیمه طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره نویسی قید شود.



## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

**نکته:** مطابق ماده ۲۳ ق.ب.ا.ب. مهلت پذیره نویسی در خصوص شرکت‌های سهامی عامی که در بورس یا بازارهای خارج از بورس هستند، باید ظرف ۳۰ روز انجام شود و سازمان بورس می‌تواند در صورت تقاضای مؤسسين و احراز ادله موجه، مهلت پذیره نویسی را ۳۰ روز دیگر تمدید کند.

پس از گذشتن مهلت پذیره نویسی، هیئت مدیره حداکثر تا یک‌ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع خواهد داد.

هرگاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره‌نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد. (ماده ۱۸۱ ل.ا.ق.ت.).

---

<sup>۱۶</sup> . ماده ۱۷۹ - پذیره نویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد به عمل خواهد آمد:

- ۱- نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت.
- ۲- سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.
- ۳- مبلغ افزایش سرمایه.
- ۴- شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید و مرجع صدور آن.
- ۵- تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغ اسمی آن.
- ۶- نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می‌شود.
- ۷- هویت و نشانی کامل پذیره‌نویس.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

### بخش سوم: اسناد تجاری

۱. ص ۲۸۳: مهلت ظهرنویسی: در خصوص مهلت ظهرنویسی، قانون تجارت محدودیتی قائل نشده و به همین جهت تا پیش از پرداخت وجه برات، ظهرنویسی تجاری برات ممکن است. به عبارت دیگر پس از سررسید برات و حتی پس از اعتراض عدم تأدیه نیز می‌توان برات را ظهرنویسی نمود.<sup>۱۷</sup>

\*\*\*

### ۲. ص ۲۹۰:

در خصوص مهلت ارائه برات جهت پرداخت باید بین دو دسته از برات‌ها تفکیک نمود:

**الف)** در مورد برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت: مطابق مواد ۲۷۴ و ۲۷۷ ق.ت.: نسبت به بروات به رؤیت یا به وعده از رؤیت که (۱) وجه آن باید در ایران صادر شده و در خارج از ایران باید تأدیه شود، اعم از این که برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج (۲) در ایران صادر شده و در خارج از ایران باید تأدیه شود، دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یکسال از تاریخ {صدور} برات مطالبه نماید.

**ضمانت اجرا:** در صورت عمل نکردن دارنده به حکم فوق، حق رجوع به ظهرنویس‌ها و همچنین به برات دهنده - ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

**نکته:** باید توجه داشت که مطابق مواد ۲۷۵ و ۲۷۶ ق.ت. صادر کننده یا ظهرنویس می‌توانند مهلت بیشتر یا کمتری در این خصوص معین نمایند. در صورتی که صادرکننده مهلت بیش‌تر یا کمتری برای مطالبه قبولی یا پرداخت معین کند، باید در همان مهلت تقاضا انجام شود و گرنه دارنده حق رجوع به ظهرنویس‌ها و همچنین به برات دهنده‌ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت. (ماده ۲۷۵ ق.ت.) و در صورتی که یکی از ظهرنویسان مهلتی تعیین کرده و دارنده از آن تخطی کند، حق رجوع به آن ظهرنویس را نخواهد داشت ولی حق او نسبت به سایرین محفوظ است. (ماده ۲۷۶ ق.ت.)

**ب)** در مورد برات دارای سررسید (وعده) یا به وعده از تاریخ از صدور: مطابق ماده ۲۷۹ ق.ت.

\*\*\*

---

۱۷. البته ماده ۲۰ کنوانسیون ژنو صراحتاً مقرره متفاوتی مقرر کرده است: «ظهرنویسی بعد از سررسید واجد همان آثار ظهرنویسی قبل از موعد است. معذک ظهرنویسی بعد از اعتراض عدم تأدیه یا پس از اتمام مهلت انجام آن تنها اعتبار یک انتقال طلب ساده را دارد.»

در صورت عدم اثبات خلاف، ظهرنویسی بدون تاریخ، ظهرنویسی قبل از پایان مهلت انجام اعتراض عدم تأدیه محسوب می‌شود.»

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

۳. پس از ص ۳۱۶ مقررات چک تضمین شده به شرح زیر اضافه گردد:

نکته ۲- مقررات حاکم بر صدور، ظهرنویسی، پرداخت و ابطال چک تضمین شده: مطابق ماده ۲۴ الحاقی قانون صدور چک مصوب ۱۴۰۰/۱/۲۹ مجلس شورای اسلامی مقررات زیر بر چک تضمین شده حاکم است:<sup>۱۸</sup>

(۱) صدور چک تضمین شده: صدور و تحویل چک‌های تضمین شده توسط بانک‌ها به مشتری، صرفاً از طریق سامانه صدور یکپارچه الکترونیکی دسته چک (صیاد) امکان‌پذیر و مستلزم تکمیل برگه (فرم) درخواست توسط متقاضی در شعبه بانک در حضور متصدی بانکی، درج مشخصات هویتی و شماره حساب گیرنده روی چک تضمین شده بر اساس دستورالعمل اعلامی توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نیز ثبت علت درخواست صدور چک مذکور در سامانه صیاد می‌باشد. سامانه مذکور به هر برگه چک شناسه یکتا اختصاص می‌دهد و بانک مرکزی موظف است امکان استعلام اطلاعات چک تضمین شده را برای گیرنده (ذینفع) فراهم نماید.

(۲) ممنوعیت ظهرنویسی چک تضمین شده: پرداخت مبلغ چک تضمین شده توسط بانک صرفاً در وجه و به شماره حساب گیرنده (ذینفع) که مشخصات وی روی چک تضمین شده درج گردیده است، امکان‌پذیر می‌باشد و ظهرنویسی برای انتقال چک تضمین شده فاقد اعتبار است.

(۳) ابطال چک تضمین شده: ابطال چک تضمین شده به درخواست متقاضی یا وکیل یا نماینده قانونی وی با ارائه اصل چک جهت واریز وجه چک به حساب متقاضی، بدون نیاز به ظهرنویسی گیرنده (ذینفع) تنها تا یک ماه پس از صدور آن توسط بانک صادر کننده امکان‌پذیر است.

همچنین پرداخت چک تضمین شده به گیرنده (ذینفع) با ارائه اصل چک تنها تا یک ماه پس از صدور آن توسط بانک امکان‌پذیر است. پرداخت یا ابطال چک پس از مهلت مقرر در این بند منوط به تکمیل فرم‌های مربوط به مبارزه با پولشویی توسط متقاضی یا گیرنده (ذینفع) و گزارش شعبه بانک به واحد مبارزه با پولشویی بانک صادر کننده می‌باشد.

(۴) مفقود شدن چک تضمین شده: در صورت مفقودی چک تضمین شده، هرگاه متقاضی و گیرنده (ذینفع) هر دو به بانک صادر کننده مراجعه و نسبت به تکمیل و امضای برگه (فرم) اعلام مفقودی چک تضمین شده و تعهدنامه عدم ادعا نسبت به چک مفقود شده اقدام نموده و نسخه المثالی آن را از بانک درخواست کنند، بانک مکلف است علاوه بر احراز هویت متقاضی و گیرنده (ذینفع) نسبت به استعلام صحت مشخصات هویتی متقاضی و گیرنده (ذینفع) از سامانه نظام هویت سنجی الکترونیکی بانکی اقدام نماید و پس از ابطال چک مفقود شده، نسبت به صدور چک المثلی مطابق با اطلاعات مندرج در سامانه صیاد اقدام کند.

<sup>۱۸</sup> . پیش از این قانون صدور چک و سایر قوانین نسبت به احکام چک تضمین شده ساکت بود.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

۵) جعل چک تضمین شده: در صورت جعل چک تضمین شده یا استفاده از چک تضمین شده مجعول، مرتکب علاوه بر مجازات‌های قانونی مقرر، به حکم دادگاه به مدت دو تا شش سال از گرفتن چک تضمین شده محروم می‌شود.

\*\*\*

۴. ص ۳۲۲: نکته ۲- اگر چک از حساب مشترک صادر شده باشد و برگشت بخورد، سوء اثر نسبت به همه صاحبان حساب اعمال می‌شود.

\*\*\*

۵. یکی از الحاقات چاپ دوم به بعد نسبت به چاپ اول، اضافه شدن درس سیزدهم به بخش سوم کتاب است.

### درس سیزدهم

#### قبض انبار عمومی<sup>۱۹</sup>

\*\*\*

#### مطالعه قانون مربوط به تأسیس انبارهای عمومی

انبارهای عمومی اهمیتی چشم‌گیر در تجارت داخلی و بین‌الملل دارند. با توجه به این که حجم و ارزش کالاهایی که در انبارها تخلیه و نگهداری می‌شود، بسیار بالا است و از آنجا که تجار در بسیاری از موارد کالا را در همان هنگام که در انبار نگهداری می‌شود با یکدیگر مبادله می‌کنند و در بسیاری از اوقات تاجری کالا را در انبار نگهداری می‌کند ولی به خاطر فروش به دیگری، خریدار آن را از انبار تحویل می‌گیرد، نقش خود انبار و اسنادی که برای تجار صادر می‌کند، اهمیت اساسی دارد. به عنوان مثال «قبض انبار» یا «قبض انبار عمومی» یکی از اسناد تجاری پر اهمیت در تجارت است.

در ایران، قانون مربوط به تأسیس انبارهای عمومی مصوب ۱۳۴۰/۶/۶<sup>۲۰</sup> (ق.ت.ا.ع.) منبع قانونی اصلی در خصوص انبارهای عمومی و اسناد تجاری صادره توسط انبارهای عمومی است. در این گفتار پس از معرفی مفهوم انبار، به تشریح اسناد صادره توسط انبارها و خصوصاً قبض انبار عمومی خواهیم پرداخت.

<sup>۱۹</sup> . مطالعه این درس برای داوطلبان آزمون وکالت ضرورت ندارد.

<sup>۲۰</sup> . نام دقیق این مصوبه «تصویبنامه قانونی مربوط به تأسیس انبارهای عمومی» است ولی در مواد همین مصوبه بیان می‌دارد: «با رعایت مقررات این قانون ...» بنابراین این ما نیز از عنوان «قانون» برای این مصوبه استفاده می‌کنیم.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

گفتار اول: انبار عمومی

بند اول: تعریف انبار عمومی

به موجب ماده ۱ ق.ت.ا.ع. «انبار عمومی مؤسسه‌ای است بازرگانی که به منظور قبول امانت و نگهداری مواد اولیه و محصولات صنعتی و فلاحی و کالاهای صاحبان صنایع و کشاورزان و بازرگانان ... به صورت شرکت سهامی تاسیس و بر طبق مقررات قوانین ایران به ثبت رسیده باشد».

از این حکم بر می‌آید که اولاً انبارداری به معنای قبول امانت و نگهداری کالا است هر چند اعمال دیگری نیز مانند صدور رسید کالا و قبض انبار نیز از وظایف انبارهای عمومی است. ثانیاً انبار عمومی باید در قالب شرکت سهامی (اعم از خاص یا عام) تشکیل شود.

بند دوم: شرایط تأسیس انبار عمومی

همچنان‌که بیان شد انبار عمومی در قالب شرکت سهامی فعالیت می‌کند. بنابر این شرایط تأسیس شرکت سهامی را رعایت می‌کند. علاوه بر این مطابق ماده ۳ ق.ت.ا.ع. «حداقل سرمایه انبارهای عمومی که در تهران تاسیس می‌شود یکصد میلیون ریال و در شهرستانها مشروط بر اینکه در تهران شعبه نداشته باشد پنجاه میلیون ریال می‌باشد و هنگام ثبت لااقل پنجاه درصد سرمایه بایستی نقدا پرداخت و عینا در بانک ملی ایران تودیع شده و قبض آن ضمیمه سایر مدارک به اداره ثبت شرکتها تسلیم شود.

همچنین انبارهای عمومی مکلفند در موقع تاسیس سپرده نقدی یا ضمانت بانکی برابر پنج درصد سرمایه ثبتی خود به بانک مرکزی بسپارند».

بند سوم: مسئولیت انبار نسبت به کالاهای سپرده شده

در ماده ۱ ق.ت.ا.ع. از عبارت «قبول امانت» از طرف انبار استفاده نموده است ولی ماده ۴ همین قانون در خصوص مسئولیت انبار بیان می‌دارد: «انبارهای عمومی مسئول حفظ و نگهداری کالاهای سپرده و جبران خسارت وارده به آن تا میزان ارزش اظهار شده کالا در موقع تودیع می‌باشند. در صورتی‌که خسارت جزئاً وارد شده باشد مسئولیت انبار در حدود خسارت وارده و به نسبت ارزش اظهار شده می‌باشد؛ لیکن در هیچ مورد انبار عمومی مسئول خسارات ناشی از خود کالا و نقص بسته‌بندی و قوه قاهره (فورس ماژور) نمی‌باشد».

مطابق این مصوبه، مسئولیت انبار نسبت به کالای سپرده شده، شباهت بسیاری به مسئولیت متصدی حمل نسبت به کالای مورد حمل دارد. (ر.ک. ماده ۳۸۶ ق.ت.ا.ع.). در مورد انبارهای عمومی، اصل بر مسئولیت داشتن انبار نسبت به خسارات وارده بر کالای سپرده شده در انبار است مگر این‌که یکی از این سه مورد اثبات شود: (۱) خسارت ناشی از خود کالا بوده یا (۲) به دلیل نقص بسته‌بندی و یا (۳) ناشی از قوه قاهره بوده است.

البته مسئولیت انبار نسبت به خسارت وارده بر کالا از جهات زیر با مسئولیت متصدی حمل متفاوت است: اولاً مسئولیت انبار حداکثر تا میزان «ارزش اظهار شده کالا در موقع تودیع» است و ارتباطی به ارزش واقعی کالا ندارد. ثانیاً چنانچه خسارت ناشی از نقص بسته‌بندی باشد، از موجبات رفع مسئولیت انبار است در

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

حالی که در خصوص متصدی فقط نقص پنهان بسته‌بندی از موجبات رفع مسئولیت متصدی حمل می‌باشد. ثالثاً در خصوص کالای در حال حمل، چنانچه تلف ناشی از تعلیمات اشتباه ارسال کننده یا مرسل الیه باشد، متصدی حمل مسئولیتی ندارد ولی در انبار، تعلیمات اشتباه از موجبات رفع مسئولیت نیست.

بند چهارم: تکالیف انبار عمومی

**الف) بیمه نمودن کالا:** مطابق ماده ۵ ق.ت.ا.ع. «انبارهای عمومی مکلفند کالاهای سپرده شده به انبار را به حساب صاحب کالا، به موجب بیمه نامه عمومی در ایران بر ضد خطراتی بیمه نمایند». بنابر این انبار موظف به بیمه نمودن کالا است ولی هزینه بیمه باید توسط صاحب کالا پرداخت شود.

**نکته:** در صورتی که انبار اقدام به بیمه نمودن کالا نمود و پس از آن کالا تلف شد، انبار نسبت به هزینه انبارداری نسبت به خسارات پرداختی بیمه‌گر حق تقدم دارد (تبصره ماده ۵ ق.ت.ا.ع.).

**ب) ذخیره احتیاطی:** از آنجا که انبارهای عمومی، در قالب شرکت سهامی تشکیل می‌شوند، لازم است مطابق ماده ۱۴۰ ل.ا.ق.ت.، هر سال معادل یک بیستم سود خالص سالیانه را اندوخته قانونی نمایند ولی با توجه به حساسیت فعالیت آنها، مطابق ماده ۱۳ ق.ت.ا.ع. باید علاوه بر اندوخته فوق، ۲۵٪ از سود ویژه سالیانه خود را به حساب ذخیره مخصوص منظور نمایند؛ تا این که اندوخته مزبور معادل سرمایه پرداخت شده انبار شود و بعد از آن ادامه تشکیل ذخیره مزبور اختیاری است. به عبارت دیگر و جمعاً انبارهای عمومی باید هر سال ۳۰٪ از سود خالص خود را اجباراً اندوخته نمایند تا به میزان سرمایه ثبت شده انبار برسد (سایر شرکت‌های سهامی: هر سال یک بیستم سود خالص تا سقف ۱۰٪ سرمایه شرکت).

**نکته:** پرداخت از اندوخته مزبور برای جبران ضرر و زیان انبار با موافقت هیئت نظارت بر انبارهای عمومی خواهد بود (قسمت اخیر ماده ۱۳ ق.ت.ا.ع.).

**پ) صدور قبض رسید و برگ وثیقه انبارهای عمومی:** انبار عمومی مکلف است هنگام تحویل گرفتن کالا، دو سند به صاحب کالا تحویل دهد: (۱) قبض رسید کالا که نشان دهنده مالکیت صاحب کالا بر آن کالا است و با ظهورنویسی آن، مالکیت کالا به منتقل الیه، واگذار می‌شود. و (۲) برگ وثیقه انبار عمومی که دارنده با ظهورنویسی آن می‌تواند کالای موجود در انبار را در رهن دیگری قرار دهد.

گفتار دوم: قبض انبار عمومی

بند اول: معرفی

پیش از این بیان شد که انبار عمومی برای کسی که کالا را به انبار سپرده است دو سند صادر می‌کند: (۱) قبض رسید و (۲) برگ وثیقه انبار عمومی. کارکرد قبض رسید این است که مالکیت مالک کالا را گواهی میکند ولی برگ وثیقه انبار عمومی که به نام قبض انبار هم شناخته می‌شود، سندی است که به دارنده آن اجازه می‌دهد در قبال بدهی خود به دیگری، کالای موجود در انبار را در رهن و وثیقه طلبکار قرار دهد.

## الحاقت چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

فایده عملی و کاربرد این دو سند در دنیای تجارت این است که «قبض رسید و برگ وثیقه انبارهای عمومی را می‌توان توأم یا جداگانه از طریق ظهرنویسی منتقل نمود.

در صورت ظهر نویسی برگ وثیقه، کالای مربوطه به آن در گرو شخصی که ظهرنویسی به نفع او شده قرار خواهد گرفت. در صورت ظهرنویسی قبض رسید، مالکیت کالا به انتقال گیرنده منتقل خواهد شد.» (ماده ۶ ق.ت.ا.ع.).

به این ترتیب قبض انبار عمومی شبیه به سفته است. یعنی سندی است که به موجب آن شخصی تعهد به پرداخت وجهی به دیگری می‌نماید، با این تفاوت که پشتوانه سفته، اعتبار شخص صادر کننده است ولی اعتبار قبض آن، کالای موجود در انبار. بنابر این از جهت اعتبار، اعتبار قبض انبار مراتب بیش از سفته است.

شایسته ذکر است که دارنده ای که به موجب ظهرنویسی، قبض انبار را به دست آورده، حق ظهرنویسی مجدد آن را نیز دارد.

**نکته ۱- ثبت انتقال و ظهرنویسی سند:** آیا ظهرنویسی قبض انبار باید در دفتر انبار نیز ثبت شود؟ خیر، ثبت انتقال و ظهرنویسی اسناد فوق در دفاتر انبار الزامی نیست. با این حال ثبت آن مزایایی دارد که در ادامه بیان خواهد شد.

باید توجه داشت که با توجه به امکان ظهرنویسی جداگانه این دو سند، «انتقال مالکیت کالادر هیچ مورد به حقوق کسی که برگ وثیقه به نفع او ظهر نویسی شده لطمه ای نخواهد زد و حق وثیقه گیرنده کالادر هر حال محفوظ خواهد بود.» (تبصره ماده ۶ ق.ت.ا.ع.).

**نکته ۲-** با توجه به این که دو سند فوق به صورت جداگانه قابل ظهرنویسی است و از سویی مطابق ماده ۶ ق.ت.ا.ع. با ظهرنویسی جداگانه رسید انبار، حقوق دارنده قبض انبار یا برگ وثیقه از بین نمی‌رود، دارنده رسید انبار چگونه می‌تواند حقوق خود را با وجود ظهرنویسی جداگانه قبض انبار وصول نماید؟

ماده ۹ ق.ت.ا.ع. برای مسأله فوق چنین راه حل و حکمی بیان نموده است: «دارنده قبض رسید (مالک کالا) می‌تواند تمام مبلغ مذکور در ظهر برگ وثیقه را قبل از انقضای سررسید وام (یا تعهد) در صندوق انبار عمومی تودیع و کالای خود را مسترد دارد.»

**بند دوم: حقوق دارنده قبض انبار**

**الف) مسئولیت تضامنی ظهرنویسان قبض انبار:** مطابق ماده ۸ ق.ت.ا.ع. «ظهر نویسان برگ وثیقه در مقابل دارنده آن مسئولیت تضامنی دارند و هرگاه ماحصل فروش کالا برای پرداخت طلب دارند وثیقه کافی نباشد، دارنده برگ وثیقه میتوانند نسبت به بقیه طلب خود بهر یک از ظهرنویسان قبلی مراجعه کند.»

## الحاقت چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

ب) حق وصول کالای موضوع سند: روشن است که اصلی ترین حق دارنده اسناد فوق، امکان دریافت کالای موضوع رسید یا قبض انبار است. باید توجه داشت که دریافت کالای موضوع رسید یا قبض انبار مستلزم ثبت ظهنویسی در دفاتر انبار نیست.

پ) اجرای ثبت: یکی از اوصاف خاص قبض انبار این است که دارنده آن می تواند وصول آن را از اجرای ثبت تقاضا نماید. به عبارت دیگر قبض انبار (همچون چک)، سند عادی لازم الاجرا است. ماده ۱۰ ق.ت.ا.ع. در خصوص صدور اجرائیه ثبتی برای قبض انبار بیان می دارد:

«دارنده برگ وثیقه (قبض انبار) می تواند ده روز پس از انقضای موعد مذکور در برگ وثیقه برای وصول طلب خود اجرای مفاد آن را بر طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد لازم الاجراء از طریق انبار عمومی از ثبت محل درخواست نماید و در این مورد، ادارات ثبت مکلف به اجرای مقررات مربوط به اسناد لازم الاجراء هستند».<sup>۲۱</sup>

نکته ۱: فقط قبض انبار (یا همان برگ وثیقه انبار) سند لازم الاجرا است و رسید انبار چنین مزیتی ندارد.

نکته ۲: مطابق تبصره ۲ ماده ۱۰ ق.ت.ا.ع. چنانچه دارنده برگ وثیقه در ظرف یک ماه از تاریخ سررسید تقاضای اجرا ننماید حق مراجعه او به ظهنویسان قبلی نسبت به بقیه طلب موضوع قبض انبار ساقط خواهد شد. (تبصره ۳ ماده ۱۰ ق.ت.ا.ع.).

---

<sup>۲۱</sup> . ماده ۱۷۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی: «اجرائیه برگ وثیقه انبارهای عمومی مطابق ماده ۱۰ تصویب نامه انبارهای عمومی اصلاحی در تاریخ ۱۳۴۰/۱۰/۲ روی اوراق اجرائی اسناد وثیقه از ثبت محل صادر می گردد و ضمائهم درخواست نامه اجرائی و نیز عملیات اجرائی تابع مقررات راجع به انبارهای عمومی خواهد بود.»



## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

### بخش چهارم ورشکستگی

۱. (ص ۳۵۴: ج) شرکت چند ملیتی: شرکت چند ملیتی، گاهی هلدینگی است که شرکت‌های زیر مجموعه آن در کشورهای مختلف تأسیس شده و فعال است. روشن است که ورشکستگی هر یک از زیر مجموعه‌ها مستلزم ورشکستگی شرکت مادر یا سایر شرکت‌های فرعی نیست. گاهی شرکت چند ملیتی به شرکتی اطلاق می‌شود که در کشورهای مختلف شعبه و فعالیت دارد. در این موارد آیا دادگاه محل وقوع شعبه می‌تواند به ورشکستگی شرکت رسیدگی کند؟

در این خصوص دو نظریه کلی مطرح است؛ در برخی کشورها اصل جهانی بودن ورشکستگی یا وحدت ورشکستگی پذیرفته شده است. مطابق این نظریه فقط دادگاه محل اقامت ورشکسته حق رسیدگی به دعوی ورشکستگی دارد. در مقابل در بسیاری از کشورها از جمله ایران نظریه سرزمینی بودن یا تعدد ورشکستگی پذیرفته شده است. مطابق اصل سرزمینی بودن رسیدگی به دعوی ورشکستگی، در هر کشوری که تاجر دارای اموال و یا طلبکار است، دادگاه می‌تواند حکم ورشکستگی وی را صادر کرده و اموال او را تصفیه کند.<sup>۲۲</sup>

\*\*\*

۲. (ص ۳۵۵: ح) ورشکستگی بانک: در صورتی که دادگاه در حال رسیدگی به دعوی ورشکستگی بانک باشد، باید قبل از اتخاذ هرگونه تصمیم، نظر بانک مرکزی ایران را استعلام نماید. بانک مرکزی از تاریخ وصول استعلام دادگاه باید ظرف یک ماه نظر خود را کتباً به دادگاه اعلام کند. دادگاه با توجه به نظر بانک مرکزی ایران و دلائل موجود در پرونده تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. بنابر این هنگام رسیدگی به دعوی ورشکستگی بانک، دادگاه مکلف به استعلام از بانک مرکزی است ولی مکلف به تبعیت از نظر بانک مرکزی در خصوص ورشکستگی بانک نیست.

**نکته:** در تمام موارد انحلال و ورشکستگی بانکها تصفیه امور آنها انجام خواهد گرفت و تصفیه امور بانک ورشکسته با اداره تصفیه امور ورشکستگی و با نظارت نماینده بانک مرکزی ایران می‌باشد. (ماده ۴۱ قانون پولی و بانکی کشور)

\*\*\*

۳. (ص ۳۵۵: خ) ورشکستگی شرکت بیمه: در صورتی که دادگاه در حال رسیدگی به ورشکستگی یک مؤسسه بیمه باشد، باید قبل از اتخاذ هرگونه تصمیم، نظر بیمه مرکزی ایران را استعلام نماید. بیمه مرکزی ایران از تاریخ وصول استعلام دادگاه باید ظرف ۱۵ روز نظریه خود را کتباً به دادگاه اعلام دارد. دادگاه با توجه به نظریه بیمه مرکزی ایران تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. (ماده ۵۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری).

۲۲. اسکینی، حقوق ورشکستگی، ص ۱۱.

## الحاقات چاپ دوم و سوم کتاب درسنامه جامع حقوق تجارت

**نکته:** پس از صدور حکم ورشکستگی، تصفیه مؤسسه بیمه ورشکسته طبق قانون تجارت به عمل می‌آید. در حوزه دادگاه‌های شهرستانی که اداره تصفیه در آن‌جا تأسیس گردیده است، اداره تصفیه با معاونت بیمه مرکزی ایران امر تصفیه را انجام خواهد داد و ۲- در نقاطی که اداره تصفیه امور ورشکستگی وجود ندارد، دادگاه بیمه مرکزی ایران را به عنوان قائم مقام اداره تصفیه تعیین می‌نماید. (ماده ۵۳ قانون تأسیس بیمه مرکزی).

\*\*\*

۶. **ص ۳۵۸: نکته ۲-** در صورت فوت یا حجر تاجر متوقف، وراثت یا قیم او باید به مفاد ماده ۴۱۳ ق.ت. عمل کنند ولی در صورت اعلام نکردن توقف توسط ایشان، مجازات‌های مربوط به عدم اعلام توقف (ماده ۴۳۵ و ۵۴۲ ق.ت.) متوجه ایشان نمی‌شود.

\*\*\*

۷. **ص ۴۱۴: نکته ۴-** پیش از این دیدیم که مطابق قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه‌های کشور، کارخانه‌هایی که مالک آن‌ها ورشکسته شود، توسط مدیر یا مدیران منصوب از طرف هیأت حمایت از صنایع اداره می‌شود. ماده ۷ این قانون به هیأت حمایت از صنایع اجازه می‌دهد در موارد مذکور می‌تواند برای جلوگیری از تعطیلی کارخانه با مؤسسه اعتباری دولتی یا خصوصی یا سازمان برنامه قراردادهای لازم به منظور تحصیل اعتبار مورد نیاز برای اداره موقت کارخانه‌هایی که مشمول مقررات اداره موقت می‌شوند منعقد نماید.

در این صورت وجوه مذکور به علاوه بهره متعلق به آن، پس از وضع هزینه‌های عادی و جاری از جمله مطالبات کارگران و کارکنان، مقدم بر هر نوع بدهی دیگر کارخانه اعم از ممتاز یا غیر آن است و قبل از خاتمه عملیات اجرایی یا تصفیه امور ورشکستگی یا تعیین تکلیف نهایی در هر موقع که هیأت مقتضی بداند از منافع کارخانه و سایر اموال و دارایی آن قابل پرداخت و برگشت خواهد بود.

به این ترتیب بدهی فوق مقدم بر دیون ممتاز ورشکستگی است. البته به نظر می‌رسد حتی این بدهی نیز بر بدهی دارای وثیقه مقدم نیست. (ص ۴۱۴)

\*\*\*

۸. **ص ۳۹۶: نکته:** در مواردی که تصفیه مطابق ق.ت. انجام می‌شود، در صورت تأخیر در ارائه سند طلب، طلبکار وارد غرما می‌شود و صرفاً حق اعتراض و حق بهره بردن از اموالی که قبلاً تقسیم شده را از دست می‌دهد (ماده ۴۷۳ ق.ت.). ولی چنانچه تصفیه مطابق ق.ا.ت.ا.و. انجام شود و اسناد طلب بدون عذر موجه ارائه نشده باشد، طلبکار اصلاً وارد غرما نمی‌شود. (ماده ۳۷ ق.ا.ت.ا.و.).